



فضای پرسشگری را احیا و آنرا رشد دهیم / سقراط مصیبت واقعی را در چه می دانست

یک دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی و مترجم و محقق عرفان و فلسفه اسلامی با تأکید بر اینکه بزرگترین مصیبت جامعه از منظر اندیشه ای، بیزاری افراد آن جامعه از بحث و نظر و روی آوردن به تنبلی و تن آسائی فکری است، گفت: باید فضای پرسشگری را در جامعه احیا و آنرا رشد دهیم.

یک دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی و مترجم و محقق عرفان و فلسفه اسلامی با تأکید بر اینکه بزرگترین مصیبت جامعه از منظر اندیشه ای، بیزاری افراد آن جامعه از بحث و نظر و روی آوردن به تنبلی و تن آسائی فکری است، گفت: باید فضای پرسشگری را در جامعه احیا و آنرا رشد دهیم.

دکتر انشاءالله رحمتی دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی و مترجم و محقق فلسفه و عرفان اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد ویژگیهای جامعه مطلوب، گفت: جامعه مطلوب، جامعه ای است که در آن تفکر رواج دارد و از تقلید دوری می شود. وی بحث خود درباره رواج تفکر و دوری از تقلید در جامعه را با نوشته ای از رساله فایدون آغاز کرد و گفت: رساله فایدون نوشته افلاطون گزارشی است از زبان فایدون در مورد آخرین روز زندگی سقراط یعنی روزی که سقراط در انتظار اجرای حکم اعدام خود است. در آن روز شاگردان سقراط که از مرگ استادشان بسیار متأثر هستند برای آخرین بار به خدمت استاد خود می رسند. سقراط با وجود چنین شرایطی باب یک بحث علمی و فلسفی درباره جاودانگی را باز می کند. اینکه سقراط این موضوع را که همواره در طول تاریخ و حتی امروز هم مسئله ماست در آن شرایط مطرح می کند، خود جای بحث دارد.

وی افزود: در مقطعی از بحث نوعی شکست بوجود می آید و بعضی اشکالات پاسخ قابل قبولی پیدا نمی کند. شاگردان سقراط از یک سو از مرگ استاد خود متأسف هستند و از سوی دیگر بحث هم به جایی نمی رسد و از همین رو تأسف آنها دوچندان می شود. سقراط، حاضران را مهیب می زند که نباید به خاطر مرگ من متأسف بود، مرگ من مصیبت نیست، مصیبت واقعی این است که ما به بیزاری از بحث و تبادل نظر مبتلا شویم و حوصله بحث کردن و جستجوی حقیقت را نداشته باشیم.

این پژوهشگر و مترجم تصریح کرد: به عقیده من بزرگترین مصیبت برای یک جامعه بیزاری از بحث و نظر و روی آوردن به تنبلی و تن آسائی فکری است که به هر دلیل مجال تفکر و گفتگو در مورد مسائل را نداشته باشد. به این معنا که افراد به هنگام تصمیم گیری حاضر نباشند بهای تأمل در مورد تصمیم خود را بپردازند. طبیعی است که به هر میزان تأمل مان در مورد مسائل مختلف کمتر شود، تصمیماتمان ناپخته تر و ناسنجیده تر خواهد بود. یک جامعه وقتی در مورد تصمیماتی که در مرتبه فردی یا جمعی می گیرد دقت نظر لازم را داشته باشد تصمیماتش حساب شده تر، کارآمدتر و نتیجه بخش تر خواهد بود.

رحمتی در پاسخ به این سؤال که برای زنده ماندن فضای بحث چه اقداماتی باید صورت گیرد، اظهار داشت: به نظرم همه ما باید اجازه دهیم شرایط لازم برای فهمیدن و پرسیدن سؤال فراهم شود. طبیعی است وقتی معلمی یک دانشجو یا دانش آموز پرسشگر را تشویق کند دیگران هم به کنجکاوی شدن و پرسیدن علاقه مند می شوند ولی وقتی با او برخورد شایسته ای نشود یعنی افراد پرسشگر احساس کنند که متاع آنها خریداری ندارد و پیش دیگران ارج و قربی ندارند به طور طبیعی این استعداد در آنها از بین می رود و فروکش می کند. وقتی پرسیدن سؤال، فکر کردن و کنجکاوی فضیلت شمرده نشود افراد سعی می کنند کمبودها و نقصانهای خود را از راه دیگر جبران کنند.

مدیرمستول مجله اطلاعات حکمت و معرفت با تأیید به اینکه پرسشگری در افراد یک استعداد به شمار می آید، تصریح کرد: همان طور که وقتی زمینه لازم برای ظهور و بروز استعدادهای مختلف افراد فراهم نباشد آن استعداد پژمرده شده و از بین می رود در مورد پرسشگری نیز چنین اتفاقی صادق خواهد بود. بنابراین باید فضای پرسشگری را در جامعه احیاء کنیم و آنرا رشد دهیم. نمی گویم شرایط مطلوب و ایده آلی داریم ولی همین اندازه که روشنگری و تأمل در مباحث فلسفی در کشور ما روشن مانده موهبت بزرگی است و باید به یاری این فضا شتافت و آنرا روشن تر کرد.